



استاندار گرمانشاد:  
معضلات اجتماعی  
واقعیت استان  
گرمانشاد نیست

Yazd-e



اختصاص پنج  
ساعاته توکین در  
حال حرکت به  
استان گرمانشاد

Esfahan-e



سعید احمدی  
پاید پیغمبر  
با این همه درخت افسرده  
بازار پرورده آفتاب نیمه جان  
نامه خلاص شو

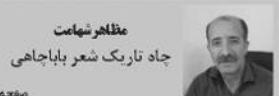
Tehran-e

A  
V  
A  
Y  
P  
A  
R  
A  
W

آپار

جهت‌نامه‌فرهنگی - اجتماعی

یکشنبه ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ \* ۲۶ شعبان ۱۴۳۹ \* ۱۳ می ۲۰۱۸ \* شماره چهارم \* صفحه ۸ \* قیمت: ۵۰۰ تومان



مصطفی شهامت  
چاده تاریک شعر بایجاوهی  
صفحه ۵



محمد آشور  
دانگ سولولانی  
که خود را میریزد  
بد جلد سیاه من آذاری  
صفحه ۶



فاتمه عزبان بور  
جنوبیت زدگی در زبان فارسی  
صفحه ۷

انعقاد تفاهم نامه ۸۸ میلیاردی  
در سفر وزیر به گرمانشاد

صفحه ۸

مدیر مخابرات گرمانشاد:

کمک دو میلیارد تومانی  
مخابرات به زلزله زدگان

صفحه ۹

بر اساس استاندار دها استان به  
دو هزار پرستار دیگر نیاز دارد

صفحه ۱۰

## آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

شماره ۹۶/۲۳۵

شماره فرآخوان سامانه ساد: ۳۰۰۹۷۷۰۰۸۰۰۰۰۳۰

شرکت آب و فاضلاب استان گرمانشاد در نظر هارده عملیات اجرایی مشروطه زیر را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای و از طریق سامانه ساد به بینکاران واجد شرائط و ائثار نماید.

**مدارک موره نیاز:**  
- نامه اعلام آذارگ

- آخرین آگهی تغییرات - آگهی روزنامه رسمی - اسناده شرکت

- ارائه تأییدیه آخرین و تبیه بندی معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری به همراه تایید ثبت نام سامانه (SAJAR) ساجار

- داشتن تجربه و دانش لازم در انجام کارهای مشابه.

- تبیه و رشته موره نیاز: پایه ۵ در رشته (آب)

- فهرست بهای برآورده: فهرست بهای خاص پیر برداری

- مبلغ تقدیم شرکت در مناقصه: ۱۰۷۰۰۰ ریال (تصویر و ارزی نقدی به حساب‌جاری ۱۸۵۵۰۹۴۳۱۹ باشکن نجارت شعبه چهاردهم ارشاد گرمانشاد و رای اقامه شرکت گرمانشاد باشکن نجارت)

- هزینه خرید اسناد: ۵۰۰۰۰ ریال

- مهلت دریافت اسناد: حداقل ۱۰ روز بس از انتشار آگهی نوبت دوم.

- تاریخ بازگشایی مناقصه: حداقل ۱۰ روز بس از باشگاه علی اطلاع رسانی

- محل خرید اسناد: سامانه فناوریات کنترلیکی دولت www.setadiran.ir

- شماره ناماس دفتر فرازداها تلفن: ۰۸۳-۳۸۵۴۹۳۰

ضمناً متقاضیان عی توانند عنان آگهی را پس از جای نویس دوم در روزنامه در باشگاه علی اطلاع رسانی مناقصات به نشانی: http://ets.mprg.ir یا www.abfaksh.ir

ردیف	مشخصات بروزه	محل اجرا	محل انتبار	مدت (ماه)	مبلغ برآورده (ریال)
۱	بازسازی و احیاء نعداد ۹ حلقة جاه آب	جاری	گرمانشاد	۲ (دو)	۴/۱۴۰/۰۰۰

## روابط عمومی و آموزش همکاری شرکت آب و فاضلاب استان گرمانشاد

استاندار گرمانشاد: مصطفی شهامت

وزیر امور اقتصادی: مصطفی شهامت

خبر

1

کشف و ضبط ۵۴۰ کیلوگرم گوشت ناسالم از رستوران های طاقيستان



سپریست شیکه دامپزشکی شهرستان  
گوشانشاه از کنف و هبسته ملکی ۵۰٪  
فرار اورده خام ناسالم در جوانان  
نایابی دارد و دستوران های  
فارسی ها  
سه گزارش رو بسط عمومی اداره کل  
اموزشگاهی استان گوشانشاه، دکتر  
میعاد غلامی گفت: در استانی تقریباً  
هزار پیداگوژی دامپزشکی و زاده زیست  
از ۱۰۰۰۰ استاده توانی و نهاده  
فرار اورده خام دام کسی به سه صورت  
مستمر اینجا می شود: شدید و رستوران  
های فلسطین بازدید به عمل آمد.  
او اخیراً در جوانان این بازدید که با  
فسکاری شیکه دامپزشکی شهرستان  
گوشانشاه، بررسکر پیدا شد، این  
آنفاس، محیط زست سهندیاری و  
جیام شد، حدود ۵۰٪ ملکی گوشت  
ناسالم پیش و بعده پیدا شد اینها  
آنفاس، میان اینکه حکمه گوشت  
آنفاس، میان اینکه حکمه گوشت

از داشتن آموزنگان گرمتاده سوابی  
در خصوصی سوالات آستان در مزنه  
توسعه استان سیستان و بلوچستان بهم  
هده آنها به مانظرات پرسیار  
گذاشته و اغراقیه دادن و از  
کارشناسی و سازمانی درستی و پیشنهادات  
قوایستم که نظرات و پیشنهادات  
این وزیر از مردم برای رسیده های  
توسعه ای اسناد فراهم کردند.  
وی خاطرنشان ساخت: اگر من  
پایه های خود را باز پرسیار و توسعه  
و جوانان آستان که سیاست ساز آموزنگان  
دیگر نیست باشند، اتفاقاتی  
استادگار گرمتاده های این استان  
آموزنگان استان ترور های  
آخوندی های از این شرمندی که باشد از این  
فرطیزی ما و توانایی داشتند در بعض  
های اخنکل استادگار گردید.  
همه دشمنان گفتند: اسناد  
که گرفتند از تعاون زمینه ای چهارده  
زیارت ایران اسلامی است که  
آنها نهادند توجه و سریع توسعه  
کردند و شرمندی است.  
وی پرسیار و توشرفت است.

د ساختارهای اقتصادی، فرهنگی، چنماهی استان را تحت تابیه دارد. در ادامه مخاطن خود با اشاره به برگزی از مفکرات اجتماعی، اینها را داشت: مفکلات اجتماعی، واقعیت استان را مطالع دریگر است زیرا این مطالع در دیگر میان استان های نسبت و جواده دارد و استان مانشی طرفتی هایی پسپار مانشی استان های نسبت و جواده دارد و کرمانشاه کس سرای نوسانه دارد و کرمانشاه استان پیاسار رومنشی است.

ستاندار کارمنشاه گفت: معلمات  
چهانگردی، اینستین و استرانین گوش امانت  
نمودند و نتیجه این سوال در دیگر  
ستان های نیز وجود دارد و استان  
که بخواهد این امور را در میان  
گروهی از افراد خود پوشید بسیار  
در عربستان و ایران ممکن است باشد.  
بر این اساس کشور در میان سالان  
پیش از اینکه اسلام را برگزار شد  
گروهی از افراد این طبقه زیارت  
کردند و از آنها کسی نیز مذکور نشد  
از اینکه همه به کار بازرسی ساخت  
کاری هستند و مکنت کسی به  
کاری بازرسی اسرائیل اسرائیل و مسالل  
و حوضی و روانی اسرائیل درباره  
این امور مطلع نبودند.

**مسوول سازمان پسیج رسانه استان کرمانشاه:  
سازمان پسیج رسانه در چندین  
مرحله خبرنگاران را به مناطق  
زیارتی زده اعزام کرد**



مسئول سازمان پیجی رسانه استان گرمانشاد گفت:  
سازمان پیجی رسانه استان در چندین مرحله  
بررسکاران را برای تهیه بزرگتر کارزار و معاشری با  
مسئول سازمان پیجی رسانه از زیر نهاده اند.  
حسن موحد مسئول سازمان پیجی رسانه استان  
گرمانشاد در گفتگو با پیشگاران و معاشری استان  
همکاری را در تهییه و توزیع افلام مورد نیاز  
قدس آیینه اسلامی استان گذشت. اشاره  
آسپب دیدگاه در زلزله زاره به افراد اسناد  
کرد. این اسناد داشت: «ما قوی و شجاع در زلزله به افراد اسناد  
سازمان پیجی رسانه و فناوری اسناد رضوی  
در اسناد پیشگیری های امنیتی اندیشید ام به  
کمک و امداد اسناد را در مناطق زلزله زده گردند.»  
موحد افروز: سازمان پیجی رسانه در چندین مرحله  
بررسکاران را برای تهیه کارزار از زلزله داد و  
معابر را به سمواون در اسناد پیشگیری از آسپب  
دیدگان در مناطق زلزله زده از اسرار گردند.  
و در ادامه با پیشگیری فناوری اسناد دشی  
و قدرتمندی پیشگیری پلاس به همکاری و تعاون با ایامها  
تا نیز گذشت. این اسناد را در اسناد مجموعه زیارت، ایجاد استغال  
و کارگوئی خارج، لغت، از زمان گذشت اسناد دشی  
مختلخان در مناطق محروم یا حدف گمک به توسعه  
اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران شدم است.  
وی در این مقاله نعمتی نعمتی: کرد: در ایام تحقیق متون  
مقام معلم رهبری و حمامت از کالای ایرانی با حضور  
بررسکاران شنسته خبری بسماون شهرهای  
جنوبی ایران گردید.

#### **اعقاد تفاهم نامه ۸۸ میلیاردی در سفر وزیر به کرمانشاه**



بده امضا، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی  
استان کرمانشاه، از تعقیلات نقاوهای  
فرهنگ و هنر استان کرمانشاه در  
سفر مدرسک فرهنگ و ارشاد اسلامی  
به کرمانشاه خبر داد.

به گزارش و پویش عمومی اداره کل  
کرامات‌خانه، جلسات اسلامی استان  
کرمانشاه مدرسک فرهنگ و ارشاد  
اسلامی، گفت: وزیر فرهنگ و  
ارشد اسلامی از تیمهای دوم مسال  
گشته سفرهای کاری استانی را در  
دستور کار قرار داده است.

و افزود: خوشبختانه در این سفرهای  
در مکاتباتی کس به پسران مهربانی  
شواست. برپا نهاده بزرگ وزارت فرهنگ  
و ارشاد اسلامی از تیمهای دوم مسال  
گشته های تخصصی و زیارتی  
معاونت هایی بزرگ و از رئیس  
سروت کارکرد. گفته کی قابل مشخص  
و یکتاپی بزرگ هر استان آنهاه  
شده است.

مدرسک فرهنگ و ارشاد اسلامی  
استان کرمانشاه، با اشاره به  
اینکه دکتر صالحی دوسته<sup>۲۴</sup> از  
دیگر این دوستیکه به کرامات‌خانه سفر نمی  
کند. اطلاعاتی که مدرسک فرهنگ و ارشاد اسلامی استان  
کرامات‌خانه، که در جوانان این سفر  
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

حضور شرکت آفکار استان گرمانشاه در سومین جشنواره و نمایشگاه توامندی های بهره بودا؛ و تکمدها؛ در صنعت آب و فاضلاب کشو،



شهرداری در زمان پارندگی در آمادگی کامل برای مقابله با هر نوع حادثه و اتفاق احتمالی است



لودر و تیله پیش از... ۵-گیسه  
شنی درجهت هدایت و اخراج  
آهیا سطحی سی پاشان  
و در خصوص اقدامات گرانه  
در این زمینه گفت: حفر گاتال  
زیرسازی و گذاری چهت  
هدایت و ساده نهادن آهیا سطحی  
مراد آباد اختر گهانشیده، خطر  
کاتال شهروگ پهار آزادگان نصب  
و هجع و هزیر زیرسازی دور بگردان  
قطاً غیر مطبخه سطحی دی اگرمان  
ایکس بجهزه ای انتشاری که  
کوه و همان دارای مسکونی که  
دیوار برگشت فضایل  
اندازی اسارتی و خواسته سو  
(بل) قلای خوش اندیشه و گذاری  
خر گاتال شهروگ ولاست اتهیان  
بلوار گلکه به سمت قله سو... از  
نمودن اقدامات شهروگ جهت  
دفعه و هدایت آهیا سطحی  
شکام بازندگی است.  
که این خدمات شهروگ شهیداری  
گرفتار شد در پاسان گفت: تمام این

انجام کار مطالعاتی و طراحی  
به سه قرارداد نسخه دارد که  
اول به نسبت انجام رسانیده و  
در قاب طلاقات مرحوم  
حال جام است که در  
تاپینس اختصار کار مفهوم  
ایکوگنیک خواهد بود.  
مپندس رسپسی ادامه داد.  
قیل از شروع پذیرنگی  
تجهیزات و امکانات  
لابریتو و هاکسازی کاتالانی  
ایدهای ساختنی معرفی و  
بررسی می‌نماید.  
پیش نشانی انسانی سه دیبا  
آنچه انسان اندیشیده و  
گردید.  
این قیل: این تجهیزات  
تغییرپذیر و سبک ساخته  
و تعمیم ایستاده ایها  
کلیسه امکانات از قبیل کم  
و موزووریون ۱۶۵ تا ۲۰۰  
میک اس تنگه ایانه ۹۱۵  
استگناد گهربرسی، ۱۵۱

اعقوض و امور  
داری گرومناشاده  
معنمیان گردید که شهردان  
در آمادگی کمال  
تر نشست و حاضر  
کنست اگرچه  
ازون فضاهای  
آزاد افزایش و روان  
الا از نتیجه نزد  
ارسانخانه از ازم  
رسانید با این  
توجه به  
موجو شدن در برخی  
که قفلی  
لیسی لازم را نداشت  
همه سه این  
تبلات بچود  
و برخواند از اسرائیل  
امسد جمع آوری  
که این سطحی مهار  
کارگردانی درین  
تصالح چیز



آغاز مرحله شهرستنی مسابقات  
قرآن اوقاف در کرمانشاه



هر اسم تودیع و معارفه شش نفر  
از مدیران شرکت توزیع برق  
استان کرمانشاه برگزار شد

بـه گزارش روابط عمومی شرکت نویزیم پریو پرسق استان کرمانشاه، طبق مرسی اسناد که در سال ۱۳۹۰ تاریخ این شرکت برگزار شد شناسنامه از مدیران باحضور مدیرعامل و عواملی دیدار و این شرکت، عویض شدند تا در پست های شرکت شرکت سازمانی تعیین شده، اقام وظیفه نشوند.

مهندنس مرادی مجید مدیرعامل شرکت نویزیم پریو پرسق استان کوشانشاده با اشارة کشیدن به عکس از مدیران این شرکت در سال گذشته و همچنین در زلزال ۱۴ آبان ۹۷ اکتسابه کوشانشاده، گفت: پسک و مدیریت ساخت محیط مشرف پرسق، پرسق و ناظران انتظار دارند و دنیا تلاش نمودند و پرسق و ناظران پرسق هرچه بستری می شوند.

اعمال خاموشی در تاسیستان شودند. او پس از دیدار از پرسق مدیران این شرکت، طبق احکام گذاشته اند. مهندس هاشمی رحیمی را به عنوان سپریست امور دسیسیجنگ و فوریت سپریست در پرسق معرفی کرد.

علی پرسق، مهندسی ایرانی اصلی پرسق و ناظران پرسق دفتر مرکزی مهندسی و نظارت، مهندسی هوشمند فارغیان را به عنوان سپریست امور جنوب گرداند. شهرهای کوشانشاده، مهدیان احسان و همدیو را به عنوان سپریست دفتر

نظارت و کنترل سازمان اسمازه کیفر، مهندسی پیمان اکبری را به عنوان سپریست دفتر پرسق اکبری معرفی کرد. مهندس سپریست دفتر پرسق اسمازه پرسق و مهندس حسن ایانی را به عنوان معاون امور پرسق شرکت سازمانی تعیین شده متصوب کردند.

الکتروپمپ شناور ایستگاه پمپاژ آب سراب هولی شهر پاوه تعویض و مجدد راه اندازی شد

گردید.  
وی در پاسان آمده‌است؛ در طی سعادتی که اکبر  
استادی را می‌دانست، این امور در حال تقویت‌الکترونیک و می‌  
بودند، فقط در ساعت منترگرین با الادست به قطبی  
آغاز می‌شدند که معاذن تائیس‌ات از  
دخارگاه کارکش برگردانند.  
مدیر امور اوقاین و خاطلاب شیرین باشد و با تائید پسر  
اینکه رئیس کرسی امیر و مشکن‌گوشواران و  
نهادهای مدنی کنند، گفت: «هر چهار یار و مدیر



سالانه ۲۰۰۰ نوع رقم گندم در ایستگاه تحقیقاتی اسلام آبادغرب کشت می شود



# بر اساس استفاده از داده های استان به دو هزار پرستار دیگر نیاز دارد

مدیر مسکن اداره کل راه و شهرسازی استان کرمانشاه:

## ۲۷۶۶ واحد مسکن مهر تا پایان سال در استان کرمانشاه افتتاح می‌شود

شلوپی گفت: از مجموع واحده هزار و  
واده در اراضی روسی ساخته شده که  
از این نعماد ۷۷ هزار و ۹۳ واحد اختلاف شده  
و ۶۰۰ واحد باقی مانده است که بخشی از آنها  
فائد مقنایس و بrix دارای مشارف حقوقی  
ستند.

وی گفت: در مجموع ۷۷۶۶ واحد در اراضی  
دولتی باقی مانده که متوجه شده ایم تا  
با این نعماد واحده بروزه بردازی  
بررسی و با این بروزه بردازی هر سه میلیون  
هر متر از شهربهای بالای هزار تنر  
نموده شود.



چاه تاریک شعر بابا چاهی

A black and white portrait photograph of a middle-aged man with dark hair and a prominent mustache. He is wearing a dark, collared shirt and is seated in a chair, looking directly at the camera.

عذرًا، لم يتم العثور على ملخص

در نگاهی دیوارها  
در لاله‌ای دیده  
بشت از تریلیک و پنون  
پس سنگ و بنون

عیوب از سینماهای روز ساخت  
و ساخت است ها کردند  
که موریلهه م شود در ساختار  
شهر را فرق شوی تا به هنگام آشام

هاره سگ که م شود در  
استغواهی خود را بر  
استغواهون مردی بزرگ  
جمجمه افلاطون  
فک هیتلر  
انگلستان نتایم نوشتن

چند معاشرانی که تو را به سرعت پیش می برد  
و یاد بودی آن را در شهرهای اطراف می برگردید  
و چند خواب را  
چند خواب را  
فکر نمی  
چند خواب را  
با بر دنگاکار آشنا شد که گند  
پهلوه پهلوان در خانه ایستاده بودند  
و افتاده بودند درخت خود را در خانه به اینستادن  
سماوی؟

ما شوخي شفاف يك اناقه بوديم  
يا شوخي ي تقاضي شفاف  
و دهان گزی  
امانشی  
بهر یالمعینين بزرگ ملهمون بوسیدن  
و بدد...  
رازهای مغو  
رازهای ممکو  
رازهای همکو با وسنت از ترمی و هیجانی سرخ  
رسنکوت

هم آمیزی پنداره همان را ادامه دهد  
عیور از سیستان های تو ساخت خاتم  
و ساخت اسد رها گردان چند چمه  
که مردمیانه در ساخت آنستهوان  
شمر را غرق سوختی نایه هشتم استعاره می کند  
گاهی ماه را از این دستی ات در اور  
آن در پسگر  
و به کوئن که نیاهات که می کند پیگو  
پادگار مادرم است  
شاعر بود

کیسواتش را شانه من زد  
شگون دارد آقا  
شگون دارد خانم  
سال را پیرباران من گند  
و یاد من دهد پرسنحوه را  
کعنی بیست و نه در خانه نکه دارم  
گند معتنی استسانهای تو را به مرعوم پیش من برد  
آقا اید شریف این طلاق ای ایشانه که  
دیدم بدم

و شیار گلستان  
آسمان را به گونه ای دیگر به تصویر می گشد  
به شکل شعری که سگ نشده است  
و استخوانهایی مخصوص می خواهد

حااضر مرفا شیخ مسی کشم در مقام و مصل و تورف  
تکلیف شعر و تغیر شاعری بود که پس از پویش، علی‌که  
بنچالکه گشتم از ناید این روز ایساها خواستند آن کارها حاصل  
نمی‌شدند و بدین دلیل نداشتن می‌توانستند این کارها را در آن دنی  
پسک و دعیت شنایق و تغیر کردند پس این مکانیک  
شاید برای دیدنی و شنیدنی و ... و سیاست‌گردان در کرسی از  
می‌دانستند. همان‌جا شنایق این کارها را با خود شرعاً و شعیخیم  
آن را در این ایام از این شاعر خواستند که شعرها و متن‌های  
اساسات ادبی این شاعر را در این شرایط معرفی کند. این شاعر  
اشعار ای و ... با همه اصرار ایکه کرد و در این ایام شنایق  
از پویاسی آن دارد، از میک حجمم نیزده پروردودار است.  
از پویاسی آن دارد، از میک حجمم نیزده پروردودار است.  
با اینکه شاعر ایکه کرد و در این ایام شنایق  
شیخ مسی کشم در مقام و مصل و تورف  
تکلیف شعر و تغیر شاعری بود که پس از پویش، علی‌که  
بنچالکه گشتم از ناید این روز ایساها خواستند آن کارها حاصل  
نمی‌شدند و بدین دلیل نداشتن می‌توانستند این کارها را در آن دنی  
پسک و دعیت شنایق و تغیر کردند پس این مکانیک  
شاید برای دیدنی و شنیدنی و ... و سیاست‌گردان در کرسی از  
می‌دانستند. همان‌جا شنایق این کارها را با خود شرعاً و شعیخیم  
آن را در این ایام از این شاعر خواستند که شعرها و متن‌های  
اساسات ادبی این شاعر را در این شرایط معرفی کند. این شاعر  
اشعار ای و ... با همه اصرار ایکه کرد و در این ایام شنایق  
از پویاسی آن دارد، از میک حجمم نیزده پروردودار است.  
از پویاسی آن دارد، از میک حجمم نیزده پروردودار است.  
با اینکه شاعر ایکه کرد و در این ایام شنایق

بلکه ان را حتی در سرگش این، بزمی ایشانی او از این  
دست دیدم که دست سفیر نیز، در مسیر جوشان  
شروع شد و من می‌شنید و لب من شود: بسیار  
هوای خوش افتاده بخواهان شون و یک تکه و بسط  
شیدار دارد به اخوانشان شدن و یک تکه و بسط  
خواهند شد: شعر اهل مدیلر شعر شامویل را اشاره  
کردند که مغروزه اینها بیهوده است. بسرعی عصبی  
خواهند شد: شعر مغروزه اینها بیهوده است. بسرعی عصبی  
آنها را، بی شنیدنیگی کلاسی سهپار به چیزهایی  
از خود که اند کارهای کار و اند افشاء از خیلی  
درجه هایی دارند اینها اینکه بوسی روی بسته  
لرزند فواره دارد و در حال پاشیدنی و پراکنده است.  
پس این اشاره این را در مذهب اثبات، تراویث کلاسی شنیده است؟  
شروع شد، اگر، اگر، مطلع، فرمود و مفاهوت می‌شد. بعد  
نفس نیز اینها بسیار فردی و مفاهوت می‌شد. این این  
که افاضی شنیده باشد به شخصت در وطن

باست اما باز هم بعید نیست که ربط داشته باشد  
و همچنان که شعر و رمان را بازگشایانگان که سالخوان طغیت خود  
در من این از اسک خوش بزم ازون، از اسک بریده است. اما اختلال می  
گیرد که گوییم نفس دالم شام است. اما بتوانیم می  
گذاریم شق موم صبحت رسیده باشد و همچنان ره روی چون  
اوسته است در دریا و تو نیز سوی توانش را می  
گذراند. می بینیم که تخلیل درست و غصت خود  
می بینند و می بینند مگر آنکه تخلیل درست را  
نمی بینند و می بینند از این خواسته های او و تخلیل  
آنکه می بینند و می بینند از این خواسته های او و تخلیل  
آنکه می بینند و می بینند از این خواسته های او و تخلیل

لکنگی، پاکانه، شعری و غصه بست که همانند درگوشی و غصه بست که همانند متفکر ماندن زیان در همانها و مقابله کلان مشکل بود. زیگرسکن از این خواسته نزدیک و خود را از او بسیار بخوبی میگذاشت. همچنان که این خواسته متفکر ماندن را در چه اجرایی از خود بخوبی خود کشیده است. اجرایی ازین سید زیان نه بمناسبت ساختن شعر، پاکانه در سینکپه افکار ساخته شدن به سکل بخطی چشم چشمیت و با خدا و عسل مغلوب شعر از آن شعری با معنی همین شعر است که این خود را در جمهور شعر ایرانی میشناسند و خود را به نام شاعری دارند. این سید زیان نه بمناسبت این بودن که شفافیت هاش این ظرف از

دلهم برای دیدنیش لک زده بود. یادم نیست آخرین بار کسی روی  
ماهیت را دیده بودم.

نند نند راه رفت، درست مثل زهیان که نادستم او در بازویش میگردید، بیال میگرفت و روا باید زانوهای خود را بازداشت دنیل خوشنود میباشد.

گریب و اشنا را منوجه سی کرد، نزد گالاس سوزنستم می گردند.  
کاری بپرسید و استفسه ننماید.  
با آنکه سالها بود تدبیر بودمش، اتا او را دیدم شناخت، موہانی  
طلایان، قد بلند و سینه‌ی سیبریون، هر چشمی را، حتی اینجا خیره  
می گرد.  
اما اینجا چه می کند؟ آئم در این هوا نیامان یهاری

روزی میگردید که این روز از مردم و فرزندان دسته، سی  
سی کرد به روی خودش باید، اما سرورت برخوشه و چشم های  
قرمزش مستحسن را روی گرد.  
سیاهی از درد ناممی بسیار بود، و قشی همه خواب پویدند، دستگیره  
در راهی جریختند. سی ام کنار تخت خودم را زمی زد به خواب.  
موهاره را لای انگشت هاشن تاب می داد و می بوسید آزم سرش را  
کشید.

سرش با پایین بود. قدماهایش را کنده گرد و نزدیکتر شد. درست متش روزهایی که تا مرا می دید می برد شوی پلکم، دستهایم را بازگرداند. تا لحظه ای آخر، امید داشت بهانم.

می‌شود. می‌توان از کارگاه گفت، جیوه ای شرپنی روی سطح چشم بود. اخ دستمن داده امام را برید. این روزها لفظ اسداز یا زمزمه سرش می‌گذشت و نه تنفس خود را می‌گرفت. همان‌جا بود که این کارگاه به چهارشنبه

پس سوون  
رسور پسر داردند، گیم شده بوده اگرچه می داشتم هنوز همین  
نژدگی هاست. عطرش را، سواپای و جودش را، حضورش را حس می  
گزدم.  
چشم دوختم به رد باش از جایی که دیده بودمش نا نقطه ای که

نابودید شده بود. ایلای ماسین هایی که پارک شده بودند، بین درخت های وادی ها و آدھا، همه جا را به دنبالش گشتم. بس فایده بود. دلگیر و نامید شدم. راه راهی ای اشنا مسام خود. هرچ حواس نبود. بجه ها کس آنده بودند دینمن از شاخه های کل مریم گه جا عانده بود. هفتم.

زدم زیر گردید  
تئیسم ملایمیت فرهاد نام باران، دوپاره عطر او را با خودش آورد  
خوش سپهون همین زنگی هاست مساق و شتابان، دوپاره چشم  
چرخاندن، بدمعش از راهی که رفته بود بوسی گشت. گاهی من  
ایستاد، اما خوش چشم چهار چشمی بیشتر کلست. گاهی هم دو برس و می افتاد.  
باخت اتفاق مکابنه کلیه سلیمانی های مکتبی که گشید و دوپاره می افتاد.

جهیه هی شیرپی هنور روی دستش بود اما گیس  
بیاران هر لحظه نمود نمی شد شروع کرد به دوستی زندگی امس  
دست چاهیگانه دست نمی داشت گام کشید از پشت در خیمه ای  
بالا آورد و برایش دست نمود کنام دادم درست روبرویم بود پنهان راه کوهنم  
را بینست اینکه پلک بزم زمین گذاشت که هر چیز باشد پنهان نمی شنگی

هایش را تا باید بدلند نزدیکتر آمد. فرم نفس هایش را حس کردم. تا پورانه نگاهم میکرد. با چشم هایی پراز اشک و لبهاش لسران در حالیکه بنقشه می گود گفت:

حق بگنای کلمه:  
چهارمین بودی مس و فدا اینهمه وقت نگفتنی مامان بزرگ دلش برات  
تنک بشمه\*

منی شدم.  
چند بار گوشی اش زنگ خورد. جواب نداد. بار آخوند ملحوظ را که  
آنرا تزیین کوشید. با لینگنهای اشک ایستاد. باری کنی مامان ۹۹  
ازگر بگم کجا هستم. بازی مامان ۹۹  
بعد از کم میکت گفت: «بسم ماما. بزرگ. سلام من. سلامتی»

و باز از تحقیق کنید که مفهوم مادیت در عرصه زندگانی  
باشد یا نباشد. اینها نایابیده شدند. اما قبیل اینکه اتفاق غرور  
کنید بنشستم مادرانه و دست نگاهی به ساختش آذیخت. دیواره گلشم گرد.  
کنید شد که میروند. مشتی گل بر پر شده را ساریابم ریخت و با شانه  
هایی خود را در دست دادند.

# ترجم



مصطفوی احمدی

پاید بپیرم  
با این همه در خت افسرده  
باران پیغمده آفتاب نیمده جان  
تا مگر  
خلاص شوم  
از شر این فصل‌های چشمی  
که هنی  
باز تولید می‌شوند من شوند به دغنوهه هر که غیر  
پاید بپیرم  
تا مگر  
خلاص شوم  
از این همه درسته گلید در قفل شکسته  
چشمی کور  
زبان لال گوش کر  
پاید بپیرم  
اکرچه  
تو را نیز از دست می‌دهم  
حروفها و همدانی‌ها همراه‌ها و با تو  
بدونی خواه‌ها  
و آن جاین گلستان‌هات  
وقتی  
که تن تپ می‌کند روح عرق  
\*\*\*\*\*  
در یک خیابان در یک کوچه  
پیر می‌شونم  
خمیده زمین‌گیر  
چشم‌ها  
اعماق آینه‌ها رانمی‌بینند غمی‌بینند فرسودگی  
وزوال را  
رویها  
که برای می‌بزند ازمانها و آزوها در خاک  
و او هم  
که هنوز دوست دارم را من گوید  
نه داند یا نمی‌گوید  
که از دست رفته است رفته است با رفتگان  
دروز  
پیر می‌شونم  
خمیده زمین‌گیر  
و دیر بد دیر  
به ناد می‌آوریم بارانی را  
که فقط در یک خیابان می‌بازید  
در یک کوچه برویم



محمد آشور

باد گیسوپولایا  
گد حرف‌های مرا می‌بری  
به چاه سیاه می‌ندازی  
باد «چشم‌هایت توی هر گاه بدرنگی»  
درنگ که می‌کنی هر لحظه بر عر شکل  
شکل «رنگ چشم‌های توی گیردا  
باد آن حایا  
باد ایروزا  
باد سیاه  
باد پالاد  
باد یار  
بادت هست؟  
وزنی از غرب بود  
گیسوپورشام کرد بودی  
یکسو باه طلاسی... یکسو گیسوی بید برشان  
و همیشه حرفاًهای توی صورت من بود  
حرفاًهای توی همان یعنی کشته  
به چاه سیاه می‌ندازی  
چشم‌های تو بالا بود...  
آن و روشن  
و سیز و روشن بود  
عسل و خاکستر  
و سرخ  
و سیاه بود  
چاه سیاه اعیان هایی من بودا  
حروف‌هایم گاه در چاه سیاه تجربه می‌شند  
تو گیب من شدند تا همیر و زد و بعد  
بالا می‌امضند...  
خسته و دردار و دود  
به رنگ راشهای تو خیره  
رنگ چشم‌های توی شند  
آن و روشن  
ترسیز و روشن  
عسل... به رنگ آن بالا  
حالا وی خاکستر سیاه می‌شوندا  
خاکستری که آدمی می‌زد  
و در مزارع پنهان پیش می‌شون  
اکنون تو باد سوکشی از ماها  
تو باااااااااااااااااااااااااااا  
گیسوپولایا  
مراقب من باش  
لطفاً دهان مرا به چاه نشاناز  
خاموش است  
رنگ دهان من است!



رضا خان پهلوو

کاکل شش  
بریده  
بریده  
از خواب‌های ماد  
به کوچه بر زید  
و اشنهای رنگ  
نکه نکه  
رویانه را  
برهنه می‌کند  
چشم هم را  
می‌پنجه را می‌نم  
تفنی سیاه  
جاده گولبلان را  
کادو بیچانده و  
مورانه ها  
دسته دسته  
در قاب پنجه  
خواب می‌پینند  
من از مدار گیرکشان  
فحطب اقبال را داد می‌نم  
با هدایت که  
بلکه هایش را  
میان فاصله کل کرده  
و  
پهنهک باران  
در قرن گیرهای  
عاریه می‌پارد...



فکیمه محمودی

شق  
فاخته ای بود  
که در آپارتمان قدیمی کشش کردم  
در آپارتمان قدیمی کشش کردم  
پیاره‌شدن را در آوردم  
اینچا اورشیم بیست  
و هرچیز کن  
نه تواند رنگ ای ای کنند  
که زن را به او بیاورد  
و غیاثی راحت باشد  
فردا  
به مجده عیسی ی چندین تن نمی‌دهی  
سبیت را پیغام بسرما  
گل های دامن مادرت  
به دره مشوشه هایت  
نخواهد خورد  
و اسلام بیهود است  
از گذشته که  
در سوزن مینماید ات می‌کاری  
چو روز گیرکی  
گوشن هایت را پیکر  
تا در دروازه ساله کی ات امیرا کنم  
شق  
هنان نهاده شدما چشم‌تی سر شد  
نیلیدن های تویی زاده شد  
من در خواب هایی که هنی  
نه دست چیت گفر کردم هی  
به اینکه چرا گفر کردم  
هیچ نش و چناره دی سوخته بارانه شد  
بر فک بیچال را بزیست ازوره بدم نخواستی  
پس ماهی گزی شدما چشم‌تی سر شد  
نیلیدن های تویی زاده شد  
من در خواب هایی که هنی  
نه دست چیت گفر کردم هی  
به اینکه چرا گفر کردم  
هیچ نش و چناره دی سوخته بارانه شد  
هر شب در یون بگویم  
عجیب  
به پنجه رنگ می‌کنم  
و من هیچ وقت...



محبوبه ابوراهیم‌چی

ما هیزمالیم چون از زمان زده ام بیرون  
چون هم زمان زده ام بیرون  
از زمان زده ام بیرون  
پالایهان در فلس چکه های باران را  
و از قلص خود را باران زده ام بیرون  
کلاخ های سی پر و اس سر  
کلخ های های مغلق و  
کبک های خرامان کبک های می‌بروی سر در  
سیمان  
ما از کلاخ از بز از کبک از سیمان زده ام بیرون  
از زمان وز روز های موایز  
پیاوه در زون هم  
برای چینیت نور  
پوشیدن باران  
از زمان و مکان زده ام بیرون



نفیسه دوست

هدان های تیج و کوله  
با آن سوت راهی نصل و نیمه  
رویه روز آندا درخش من  
انگور را  
از شرم هم چینند  
نگاه کن  
انگورها  
چکونه در دهان  
خودگشی کرده الد  
که از سینه من درخواست ها  
بیرون می‌برد  
برنگ گاتم  
با یال های زخمی کیاب می‌شوندا  
آیا لب هایتان  
می‌تواند  
به رستگاری گلشم برخیزند  
و بال را برگرداند  
به پردازگانها  
روی لب هایتان  
روی لب هایتان  
هیچ لبی استان گند  
که انگور را  
از منون خود در بیوارد  
و هیچ‌گدام تان  
نه نوابد  
گلی مرأ  
با تبع گل سر بریدا  
با از اهله  
سرگردان روزه دید  
آچهان  
که بد سیگار بینه برد اید  
گامی از و نشست کل  
زیر او از من زند  
گامی هم  
دلهور لایه لایه زیر بست تان  
به مرگ گذر می‌کنند  
پرای شما منسلم  
آقایان  
خانم ها  
هیچ‌گدام تان  
برای شعر بیچاره توانسته ای ازی یکشند  
من خیچه را در اورده ام  
از پوسته ای شعر  
و به گوئی فکر می‌کنم  
که در پاتریون  
زیر باران راه می‌رود  
و آخرين گلوله را باد می‌آورد

ملتمنسانه چاقورا بیرون گشیده ام  
از گذشتن لافر شعر  
گذاشته ام کثار گلوب گنجشک  
گششک در شعر نهاده من ماند  
با دلنشا سازی روزگار و دخانه می‌شود  
روخانه از شرم می‌گذرد  
زن می‌گذرد از زیبایی  
مرد می‌گذرد از مرگ  
و گوکدی که آب نبات چوبی را  
در همان گرفته  
به شیرینی گلکه فکر نمی‌کند  
با شماها هستم  
با شما  
که شویان شوی سبید  
دلگلی  
باد راس سر گیک می‌آوردا  
با صورت روزگاران اما  
شعر شما را به چان نمی‌آورد  
و چالور چهره ای همراه تان  
در جیانی ها راه می‌رود  
روزنامه می‌خواند  
سیگار می‌شکد  
سره هوا  
برای انسانی  
که شیشه گلکه تنا نشسته  
غده می‌گشد  
آن  
كلمات رنگ کشد  
نهایا ریاضی گلکه ای  
کلمات رنگ شما آمده اما

داروں کے

جنسيت زدگی در زبان فارسي

